

بررسی تأثیر تخصص صنعت حسابرسان بر گزارشگری مالی و واکنش بازار سرمایه

یحیی حساس یگانه¹ / اعظم ولی زاده لاریجانی² / امیر محمدی³

چکیده

تحقیقات گذشته بیان کرده‌اند که تخصص صنعت حسابرسان موجب بهبود کیفیت حسابرسانی می‌گردد و این بهبود محتوای اطلاعاتی اقلام تعهدی و به‌خصوص جزء اختیاری آن را افزایش می‌دهد. از این رو تعداد 117 شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، در طی دوره زمانی 1380 الی 1389، به منظور بررسی این موضوع مورد آزمون قرار گرفتند. در این تحقیق، ضریب واکنش سود در شرکت‌هایی که توسط حسابرسان متخصص صنعت، رسیدگی شده‌اند با شرکت‌هایی که توسط حسابرسان متخصص صنعت رسیدگی نشده‌اند، مورد مقایسه قرار گرفت. در این تحقیق از رویکرد سهم بازار به منظور تعیین حسابرسان متخصص صنعت بهره گرفته شده است. نتیجه این تحقیق نشان داد که بین محتوای اطلاعاتی اجزای تعهدی و نقدی سود در شرکت‌های با حسابرسان متخصص صنعت نسبت به دیگر شرکت‌ها تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

واژگان کلیدی: تخصص صنعت، اقلام تعهدی اختیاری، ضریب واکنش سود، کیفیت حسابرسانی، کیفیت سود.

طبقه‌بندی موضوعی: M42 , G14.

1. دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی

2. دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه الزهرا

3. دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی

1- مقدمه

سرمایه‌گذاران بالفعل و بالقوه برای اتخاذ تصمیمات مرتبط با سرمایه‌گذاری توازن بین ریسک و بازده را مبنای تصمیم‌گیری خود قرار می‌دهند. آنها علاقمند به برآورد بازده مورد انتظار آتی سرمایه‌گذاری خود به کمک اطلاعات گزارش شده توسط شرکت‌ها و سایر شواهد می‌باشند. هر میزان که کیفیت اطلاعات ارائه شده از سوی شرکت‌ها بالاتر باشد، از میزان ابهام در برآورد بازده مورد انتظار آن‌ها کاسته شده و ریسک اطلاعات کاهش خواهد یافت. به عبارت دیگر ارائه اطلاعات با ریسک اطلاعاتی پایین موجب کاهش بازده مورد انتظار سرمایه‌گذاران و یا همان هزینه حقوق صاحبان سهام خواهد شد. یکی از عوامل اصلی که موجب ارتقای کیفیت اطلاعات و کاهش ریسک اطلاعاتی گزارش‌های منتشره از سوی شرکت‌ها می‌شود، ارائه خدمات حسابرسی با کیفیت بالاتر می‌باشد. تحقیقات انجام شده چنین مطرح می‌کنند که "حسابرسی با کیفیت بالاتر" اعتبار اطلاعات تهیه شده را بهبود می‌بخشد و به استفاده‌کنندگان به خصوص سرمایه‌گذاران فرصت می‌دهد با اعتماد بیشتری وضعیت مالی و نتایج عملکرد شرکت را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند.

در حقیقت جامعه در معنای عام آن همواره خواستار دریافت خدمات با کیفیت حسابرسی بوده است. سهل‌انگاری و قصور حسابرسان در ارائه خدمات حسابرسی با کیفیتی که از آنان به عنوان افراد حرفه‌ای انتظار می‌رود، همواره با واکنش تنبیهی از سوی جامعه همراه بوده است. حسابرسان به دادگاه فراخوانده می‌شوند، به پرداخت خسارت‌های سنگین محکوم شده و شأن و جایگاه اجتماعی خود را از دست می‌دهند و حتی اگر به دادگاه هم فراخوانده نشوند جامعه نوعی مجازات اجتماعی را برای آنان در نظر می‌گیرد و برای مثال آنان را به داشتن جیب‌های بسیار بزرگ ملقب (متهم) می‌سازد (ولک، 2006). این گونه است که مسئولیت حسابرسان در برابر کیفیت حسابرسی در هر مقطعی از زمان در چارچوبی از انتظارات عمومی قابل تفسیر است. حسابرسان به صورت کلی و به عنوان یکی از فرضیات رفتاری حسابرسی، پذیرفته‌اند که باید در برابر کیفیت کار خویش به عنوان یک کارشناس حرفه‌ای به کسانی که بر کار ایشان اتکا می‌کنند، پاسخگو باشند (حساس یگانه، 1384). صاحب‌نظران، پژوهش‌گران حسابرسی و نهادهای رسمی تدوین‌کننده استانداردهای حسابرسی و آیین‌های رفتار حرفه‌ای نیز تلاش زیادی برای تبیین و دسته‌بندی عواملی که می‌تواند بر کیفیت حسابرسی اثرگذار باشد، به عمل آورده‌اند. بسیاری از ایشان دیدگاهی هنجاری را در پیش گرفته و برای توجیه‌پذیر ساختن حسابرسی و افزایش کیفیت آن بر عواملی چون استقلال، صلاحیت حرفه‌ای، تردید حرفه‌ای، برنامه‌ریزی و سرپرستی مناسب کار حسابرسی و مواردی از این دست تأکید کرده‌اند. برخی دیگر از

صاحب‌نظران دیدگاهی توصیفی را در پیش گرفته و شهرت حسابرسان، عضویت وی در مجامع و تشکلهای حرفه‌ای، اندازه موسسه حسابرسان، تخصص حسابرسان در یک صنعت خاص (واتز و زیمرمن، 1985)، حق الزحمه حسابرسان (Copley, 1996) و (Palmrose, 1986)، نتایج بررسی هم‌پیشگان (Colbert, et al., 1998) را به‌عنوان عوامل مؤثر بر کیفیت حسابرسان مورد تأکید قرار داده‌اند.

در این بین، یکی از اهداف گزارشگری مالی، ارائه اطلاعاتی است که برای سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و دیگر کاربران فعلی و بالقوه در تصمیم‌گیری‌های مربوط به سرمایه‌گذاری و اعتباردهی و سایر تصمیم‌ها، سودمند باشد. یکی از معیارهای مهمی که گروه‌های مزبور برای برآورد قدرت سودآوری شرکت، پیش‌بینی سودهای آینده و ریسک‌های مربوط به آن و همچنین ارزیابی عملکرد مدیریت استفاده می‌کنند، سودهای جاری و گذشته شرکت است.

سود نیز خود متشکل از اقلام نقدی و تعهدی است و اقلام تعهدی سود تا حدود زیادی در کنترل مدیریت هستند و مدیریت می‌تواند برای بهتر جلوه‌دادن عملکرد شرکت و افزایش قابلیت پیش‌بینی سودهای آینده با استفاده از اقلام تعهدی، سود را مدیریت کند. به بیان دیگر، مدیران تلاش می‌کنند تا با انتخاب روش‌های مجاز حسابداری، نتایج قابل پیش‌بینی و باثبات خلق کنند. زیرا، اغلب سرمایه‌گذاران و مدیران اعتقاد دارند شرکت‌هایی که روند سودآوری مناسبی دارند و سود آن‌ها دچار تغییرات عمده نمی‌شود نسبت به شرکت‌های مشابه، ارزش بیشتر و قابلیت پیش‌بینی و مقایسه‌ی بیشتری دارند. از سوی دیگر، با توجه به تئوری نمایندگی مدیران می‌توانند از انگیزه‌ی لازم برای دستکاری سود به منظور حداکثر کردن منافع خود برخوردار باشند (اعتمادی و همکاران، 1388).

جنکینز و همکاران (Jenkins, et al., 2005) معتقدند حسابرسان می‌تواند یکی از راه‌های جلوگیری و کاهش مدیریت سود باشد زیرا اعتقاد بر این است که صورت‌های مالی حسابرسان شده دارای محتوای اطلاعاتی بیشتر و سود با کیفیت بالاتری می‌باشند. اقلام تعهدی وابسته به قضاوت‌های مدیران است و حسابرسان شرکت‌هایی که اقلام تعهدی بیشتری دارند، نیز دشوارتر است. حسابرسان با کیفیت بالاتر، با احتمال بیشتری عملکردهای حسابداری مورد تردید را کشف می‌کند زیرا مؤسسه‌های حسابرسان با کیفیت، دارای تخصص، منابع و انگیزه‌های بیشتری برای کشف اشتباه و تقلب هستند.

با وجود این، مروری بر تحقیقات قبلی صورت گرفته در خصوص محتوای اطلاعاتی اقلام تعهدی، نشان می‌دهد که علی‌رغم این که کیفیت حسابرسان دارای نقش مهمی در این خصوص می‌باشد، اما به عنوان عاملی مداخله‌گر در نظر گرفته نشده‌است (Duncan, et al., 2005)، از این رو، در این

تحقیق با در نظر گرفتن نتایج مطالعات اخیر در زمینه ارتباط بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری و غیراختیاری، نحوه ارزشگذاری این اقلام را توسط بازار و با در نظر گرفتن تخصص صنعت حسابرسان به عنوان معیاری برای کیفیت حسابرسی، مورد بررسی قرار می‌دهد.

2- مبانی نظری و ادبیات پژوهش

گذار از یک اقتصاد توسعه نیافته، نیازمند تسهیل سرمایه‌گذاری و تخصیص بهینه وجوه و منابع مازاد است. این وظیفه در نظام‌های اقتصادی مبتنی بر بخش خصوصی یا نظام‌هایی که در راستای افزایش سهم بخش خصوصی در انجام فعالیت‌های اقتصادی گام برمی‌دارند، اغلب به شکلی مناسب توسط بازارهای سرمایه انجام می‌پذیرد. با این حال، گسترش دامنه فعالیت‌های اقتصادی، جدا شدن مالکیت از مدیریت، افزایش رقابت در بازار سرمایه بخش خصوصی، منفعت طلبی صرف و وجود زمینه برای سوءاستفاده، برخی شرکت‌ها (مدیران) را به ارایه اطلاعات ناسالم و گمراه‌کننده وامی‌دارد. انجام حسابرسی به عنوان یک فعالیت نظارتی و نیز به عنوان یکی از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی برای جلب (و حفظ) اعتماد سرمایه‌گذاران به وجود تقارن اطلاعاتی، منصفانه بودن بازار و نیز منصفانه بودن اطلاعات در دسترس ضروری است. انجام حسابرسی، به شرط برخورداری از سطح کیفی مناسب، نیاز استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی به ارزیابی کیفیت اطلاعات پیش از استفاده از آنها در فرآیند تصمیم‌گیری را برطرف می‌سازد و زمینه مناسبی برای اخذ تصمیمات اقتصادی مطلوب فراهم می‌آورد (انجمن حسابداری آمریکا، 1973).

2-1- کیفیت حسابرسی

اگرچه مسئولیت حسابرسان در برابر کیفیت حسابرسی به عنوان یکی از مفروضات رفتاری حسابرسی مورد پذیرش قرار گرفته است (حساس یگانه، 1384) اما تاکنون کمتر تعریفی جامع و روشن از کیفیت حسابرسی که مورد قبول همگان باشد به عمل آمده است. شاید بتوان چنین وضعیتی را با توجه به این که مسئولیت حسابرسان در هر مقطعی از زمان در چارچوبی از انتظارات عمومی قابل تفسیر است، و نیز با توجه به این که کیفیت حسابرسی یک ایده مفهومی است که نمی‌توان آنرا به صورت مستقیم مورد مشاهده قرار داد، توجیه نمود (Lin, et al., 2009). بنابراین دلایل، بیشتر صاحب‌نظران به ارایه شاخص‌هایی که به شکل غیرمستقیم نشانگر کیفیت حسابرسی یا تاثیرگذار بر آن می‌باشند، پرداخته‌اند. در این راستا اغلب پژوهشگران دیدگاهی هنجاری را در پیش گرفته و عواملی چون استقلال، مراقبت

حرفه‌ای، صلاحیت حرفه‌ای، سرپرستی مناسب و تردید حرفه‌ای را سبب‌ساز کیفیت حسابرسی برشمرده‌اند. در تدوین استانداردهای حسابرسی نیز از دیدگاه هنجاری پیروی شده است. با این وجود در دهه‌های اخیر دیدگاه‌های توصیفی هم مورد توجه قرار گرفته‌اند. نخستین بار دی‌آنجلو (DeAngelo, 1981) مفهوم کیفیت حسابرسی را از دیدگاهی توصیفی مورد توجه قرار داد. از منظر وی کیفیت حسابرسی در دو بعد قابل بررسی است: توانمندی حسابرسان برای کشف اشتباهات و تحریفات با اهمیت و توانمندی حسابرسان برای گزارش اشتباهات و تحریفات کشف شده. تعاریف مفهومی دیگری هم از کیفیت حسابرسی انجام شده است. برای نمونه ژو (2007) کیفیت حسابرسی را به شکل خاصی معادل با کیفیت استانداردهای حسابداری و حسابرسی و الزامات گزارشگری و افشای آنها می‌داند. با این حال مرور ادبیات موجود حسابرسی حاکی از آن است که این نظرات، به اندازه دیدگاه‌های دی‌آنجلو مورد توجه و پذیرش عمومی قرار نگرفته‌اند. سایرین نظیر واتز و همکاران (1985) و لی و همکاران (Lee, et al., 2003) نیز بر تعاریف ارائه شده توسط دی‌آنجلو تأکید نموده و سبب شدند که تعریف مفهومی مزبور بیش از هر تعریف دیگری در ادبیات حسابرسی مورد توجه قرار گیرد. هر چند این پژوهشگران به سبب پذیرش دیدگاه دی‌آنجلو، اقدام به بازتعریف این مفهوم نکردند اما به بسط، تعمیق و نیز ارائه تعاریف عملیاتی متناسب با این مفهوم پرداختند که در ادامه دیدگاه‌های ایشان مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

هر یک از سنجه‌هایی که توسط پژوهشگران برای اندازه‌گیری و مدل‌سازی مفهوم کیفیت حسابرسی مورد استفاده قرار گرفته، دارای مبانی و پشتوانه نظری خاص خود می‌باشد. از آنجا که در نوشتار حاضر از معیار تخصص وی در یک صنعت خاص برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی استفاده شده است، در ادامه صرفاً مبانی نظری که این معیار را با کیفیت افشا و گزارشگری مرتبط می‌سازد، تشریح می‌گردد.

2-1-1- تخصص حسابرسان در یک صنعت

حسابرسان به این دلیل به دنبال کسب تخصص در رسیدگی به شرکت‌های فعال در یک صنعت هستند که می‌توانند از این طریق بین خود و سایر حسابرسان نوعی تمایز به وجود آورند. وجود این تمایز، به حسابرسان امکان می‌دهد که به جای برخورداری از فقط یک گزینه جذاب (قیمت کمتر برای انجام حسابرسی) برای جلب نظر مجامع عمومی صاحبان سهام به خود، هم‌زمان از دو گزینه قیمت کمتر و کیفیت خدمات بالاتر (کیفیت افشا بهتر) بهره‌مند شوند (Kimberly, et al., 2004).

در عمل شرکت‌های صاحبکار نیز به چند دلیل به دنبال بکارگیری حسابرسان متخصص هستند. یکی از این دلایل کاهش هزینه‌هاست. صرفه‌جویی در هزینه‌ها ناشی از بکارگیری حسابرسان متخصص بیش از میزان صرفه‌جویی ناشی از بکارگیری سایر حسابرسان است. زیرا اغلب، حسابرسی که سهم بالایی از شرکت‌های یک صنعت را رسیدگی می‌کند (حسابرس متخصص در آن صنعت)، به‌دلایلی مانند تجارب قبلی، نسبت به سایر حسابرسان از صرفه‌جویی بیشتری نسبت به مقیاس بهره می‌برد و بنابراین در حالت عادی حق‌الزحمه کمتری نسبت به دیگر حسابرسان طلب می‌کند. دلیل دیگر این است که انتظار می‌رود این‌گونه حسابرسان مشاوره و راهنمایی بهتری در زمینه نحوه تهیه و افشای اطلاعات ارایه دهند و برای برطرف ساختن مشکلات و ایرادات فرآیند حسابداری و گزارشگری مالی نیز اقدامات اصلاحی مناسب‌تری به عمل آورند. همچنین بکارگیری یک حسابرس متخصص به این معناست که شرکت قصد دارد نسبت به گذشته گزارشگری و افشای با کیفیت‌تر (و حتی بهتر از سایر شرکت‌ها) داشته باشد (Kimberly, et al., 2004). حسابرسان متخصص به این دلیل که به سهم بالایی از شرکت‌های یک صنعت رسیدگی می‌کنند، دارای تجاربی هستند که سایر حسابرسان فاقد آن می‌باشند. بنابراین توانایی آنها برای کشف تحریفات و اشتباهات با اهمیت در اطلاعات افشا شده توسط صاحبکار بیش از سایر حسابرسان می‌باشد. علاوه بر این، آنها سعی می‌کنند حداقل برای حفظ شهرت و سهم خود از بازار، از گزارش هیچ اشتباه یا تحریف با اهمیتی غافل نشوند. بنابراین کسب تخصص در یک صنعت خاص، چه آنرا معلول خواست حسابرس و چه معلول خواست شرکت‌های صاحبکار بدانیم، در عمل می‌تواند به بهبود کیفیت افشا و گزارشگری مالی صاحبکاران منجر شود. نتایج و یافته‌های پژوهش‌های تجربی که تاکنون انجام شده نیز هم‌راستا با این پیش‌بینی است. برای نمونه کیمبرلی و همکاران (Kimberly, et al., 2004) نشان دادند تخصص حسابرس در یک صنعت، که با استفاده از سهم حسابرس از بازار کار حسابرسی در آن صنعت محاسبه می‌شود، تاثیر بااهمیتی بر کیفیت افشا صاحبکار داشته است. یافته‌های بالسام و همکاران (2003) نیز حاکی از وجود رابطه‌ای معنی‌دار بین تخصص حسابرس و کیفیت گزارشگری و افشای صاحبکار، به ویژه در مورد سود، است. نتایج پژوهش‌های مانسی و همکاران (Mansi, et al., 2004) نیز نشانگر آن است که به موازات افزایش تخصص حسابرس در یک صنعت، موسسه حسابرسی می‌تواند در راستای کشف و گزارش اشتباهات و تحریفات با اهمیت در اطلاعات افشا شده توسط صاحبکار، بهتر و با کیفیت بیشتری به انجام رسیدگی بپردازد. بنابراین می‌توان پیش‌بینی کرد تخصص حسابرس در یک صنعت خاص بتواند به بهبود کیفیت افشای صاحبکار منجر گردد.

در این تحقیق، از سهم بازار به عنوان شاخصی برای اندازه گیری تخصص صنعت حسابرِس بهره گرفته می‌شود، زیرا اولویت صنعت را نسبت به سایر حسابرسان نشان می‌دهد. هر چه سهم بازار حسابرِس بیشتر باشد، تخصص صنعت و تجربه حسابرِس نسبت به سایر رقبا بالاتر می‌باشد. داشتن سهم بالای بازار (سهم غالب بازار) همچنین به این نکته اشاره دارد که حسابرِس به طور موفقیت‌آمیزی خودش را از سایر رقبا به لحاظ کیفیت حسابرسی، متمایز می‌کند (Mayhew, et al., 2002).

در این تحقیق سهم بازار حسابرسان به صورت مجموع دارایی‌های تمام صاحبکاران یک مؤسسه حسابرسی خاص در یک صنعت خاص تقسیم بر مجموع دارایی‌های صاحبکاران در این صنعت محاسبه می‌گردد. همچنین مؤسساتی به عنوان متخصص صنعت در نظر گرفته می‌شوند که سهم بازارشان مطابق با معادله فوق، بیش از $\left[\frac{1}{2} \times \right]$ (شرکت‌های موجود در یک صنعت/1) باشد (Palmrose, 1998).

2-2- کیفیت سود

کیفیت سود مفهومی واضح و قابل مشاهده نیست و در پژوهش‌های گذشته تعاریف متعددی در مورد آن بیان شده است و اجماعی درخصوص تعریف آن وجود ندارد. در اکثر مطالعات با این استدلال که اقلام تعهدی اختیاری معیار مستقیمی از مدیریت سود می‌باشد و عاملی است که به کیفیت سود کمک می‌کند، برای اندازه گیری کیفیت سود از اقلام تعهدی اختیاری بهره گرفته شده است.

کیفیت سود را می‌توان به 3 دسته تقسیم کرد: پایداری سود، سطوح ارقام تعهدی و سودی که منعکس کننده معاملات اقتصادی مربوط است. پایداری سود به معنای تکرارپذیری (استمرار) سود جاری است. هرچه پایداری سود بیش‌تر باشد، یعنی شرکت توان بیشتری برای حفظ سودهای جاری دارد و فرض می‌شود کیفیت سود شرکت بالاتر است. به طور کلی، هرچه سود گزارش شده به استفاده کنندگان کمک کند تا تصمیمات بهتری اتخاذ نمایند، آن سود باکیفیت‌تر محسوب می‌شود (خواجه‌وی و همکاران، 1384).

کریشنان (Krishnan, 2003) رابطه بین تخصص صنعت حسابرِس و سطح مطلق اقلام اختیاری صاحبکار را بررسی می‌نماید. او به این نتیجه دست یافت که صاحبکارانی که از حسابرسان متخصص صنعت استفاده نمی‌کنند نسبت به آنهایی که استفاده می‌کنند دارای اقلام تعهدی اختیاری بالاتری می‌باشند. ری نولدز و همکاران (Reynolds, et al., 2000) بیان می‌کنند که حسابرسان با کیفیت کار بالا قادر به کشف مدیریت سود می‌باشند زیرا از دانش بیشتر و بالاتری نسبت به سایر حسابرسان

برخورد دارند و سعی می کنند تا از مدیریت فرصت طلبانه سود ممانعت به عمل آورده و شهرت خویش را حفظ نمایند. تحقیق آن ها نشان داد که صاحبکاران 6 موسسه بزرگ حسابرسی از اqlام تعهدی اختیاری پایین تری نسبت به سایر حسابرسان برخوردارند.

جنکینز و همکاران (Jenkins, et al., 2006) به بررسی تأثیر حسابرسان متخصص صنعت بر کاهش کیفیت سود در اواخر دهه 1990 پرداخته و این سؤال را مطرح کردند که آیا حسابرسان متخصص صنعت در جلوگیری از کاهش کیفیت سود موجود در اواخر دهه 1990 نقشی داشته اند. یافته های تحقیق آن ها بیانگر افزایش معنادار در میزان اqlام تعهدی اختیاری و کاهش معنادار در ضرایب واکنش سود بود که این یافته ها به منزله کاهش کیفیت سود در طی این دوره می باشد اما افزایش در اqlام تعهدی اختیاری و کاهش در ضرایب واکنش سود برای شرکت هایی که از حسابرسان متخصص صنعت استفاده می کردند کمتر از سایر شرکت ها بود.

بالسام و همکاران (Balsam, et al., 2003) اqlام تعهدی اختیاری و ضرایب واکنش سود شرکت هایی که توسط متخصصان صنعت حسابرسی شده اند را با شرکت هایی که توسط متخصصان صنعت رسیدگی نشده اند را مورد مقایسه و بررسی قرار دادند. در این پژوهش برای کنترل متغیر حسن شهرت حسابرسان از صاحبکاران 6 موسسه بزرگ حسابرسی (بعداً 5 موسسه بزرگ) استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان می دهد که مشتریان حسابرسان متخصص صنعت دارای اqlام تعهدی اختیاری پایین تر و ضریب واکنش سود بالاتر نسبت به صاحبکاران حسابرسانی که متخصص صنعت نیستند دارا می باشد. بنابر این یافته های این تحقیق موافق با این دیدگاه است که صاحبکاران حسابرسان متخصص صنعت از کیفیت سود بالاتری نسبت به صاحبکاران حسابرسان غیر متخصص صنعت برخوردارند.

در مورد استفاده از اqlام تعهدی اختیاری به منظور مدیریت سود، دیدگاه های متفاوتی وجود دارد. یکی از این دیدگاه ها بیان می کند که مدیران با استفاده از اqlام تعهدی اختیاری، ارزش شرکت را برای سرمایه گذاران بیشتر از واقع نشان می دهند؛ که این امر همان هموارسازی سود می باشد. یعنی از طریق افزایش و یا کاهش سود، سعی در هموار نمودن آن دارند. حال اگر حسابرسی مستقل به عنوان یک ابزار کنترلی مناسب بر روی کاهش مدیریت سود از طریق اqlام تعهدی اختیاری، به خدمت گرفته می شود، بنابر این می توان این گونه گفت که اqlام تعهدی اختیاری شرکت هایی که حسابرسی آنان از کیفیت بالایی برخوردار می باشد متفاوت از سایر شرکت ها می باشد چرا که متخصص صنعت، بین سوء استفاده از اqlام تعهدی اختیاری و اطلاع دهی از طریق اqlام تعهدی اختیاری تفاوت قائل گردیده است. انتظار بر آن است که اqlام تعهدی اختیاری این شرکت ها دارای محتوای اطلاعاتی بوده

و بازار نسبت به آنها عکس‌العمل نشان دهد. بنابراین در این تحقیق به جای استفاده از سطح اقلام تعهدی در آزمون رابطه بین کیفیت سود و اقلام تعهدی، از ضریب واکنش سود براساس پژوهش سابرامانیام (Subramanyam, 1996) استفاده می‌شود.

تاکنون تحقیقات زیادی ارتباط بین کیفیت حسابرسان و مدیریت سود را بررسی کرده‌اند. بیکر و همکاران (Becker, et al., 1998)، فرانسیس (Francis, 1999)، دیفاند و همکاران (Defond, et al., 1993, 1994) و گور و همکاران (Gore, et al., 2001) در مطالعات خود در شرکت‌های دولتی به این نتیجه رسیدند که کیفیت حسابرسان احتمال وقوع مدیریت سود را کاهش می‌دهد. بیکر و همکاران (Becker, et al., 1998) و بتی و همکاران (Beatty, et al., 2002)، نیز تأثیر کیفیت حسابرسان بر مدیریت سود در شرکت‌های خصوصی را بررسی کردند و نتیجه گرفتند که کیفیت حسابرسان با مدیریت سود در شرکت‌های خصوصی رابطه معکوس دارد.

داوینس و همکاران (Davis, et al., 2000) در تحقیق خود نتیجه گرفتند که بین کیفیت حسابرسان و مدیریت سود رابطه منفی با اهمیتی وجود دارد. تندلو و همکاران (2005) به این نتیجه رسیدند که کیفیت حسابرسان با میزان اقلام تعهدی غیرعادی رابطه منفی دارد.

کمرن و همکاران (Cameran, et al., 2008) در نتیجه تحقیق خود بیان داشتند که ساعات صرف شده برای حسابرسان صاحب کار با اقلام تعهدی اختیاری و مدیریت سود رابطه منفی دارد.

نتایج پژوهش گور و همکاران (Gore, et al., 2001) رابطه منفی بین کیفیت حسابرسان و مدیریت سود در فرایند عرضه اولیه سهام را تایید می‌کند. ایلدر و همکاران (Elder, et al., 2001) در پژوهش خود نتیجه گرفتند وجود کمیته‌ی حسابرسان و اندازه‌ی آن، مدیریت سود را کاهش می‌دهد. فاروزانا و همکاران (Fairuzana, et al., 2006) در پژوهش خود تأثیر اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسان (5 موسسه بزرگ) و وجود کمیته‌ی حسابرسان بر اقلام تعهدی را بررسی کردند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که اندازه‌ی موسسه حسابرسان، میزان اقلام تعهدی اختیاری را کاهش نمی‌دهد. اما، وجود یک کمیته حسابرسان فعال در شرکت میزان آن‌ها را کاهش می‌دهد. مینگ (2007) نیز پس از بررسی شرکت‌های چینی نتیجه گرفت که ده موسسه بزرگ حسابرسان در چین بیشتر از موسسه‌های دیگر موجب کاهش مدیریت سود می‌شوند.

فرانسیس (Francis, 1999) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که شرکت‌هایی که تمایل بیشتری به ایجاد اقلام تعهدی دارند، با احتمال بیشتری از خدمات شش موسسه بزرگ حسابرسان برای اعتبار بخشیدن به سود خود استفاده می‌کنند.

ابراهیمی و همکاران (1387) در پژوهش خود در 71 شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به بررسی تاثیر نوع موسسه حسابرسی (سازمان حسابرسی و سایر مؤسسه‌ها) و نوع اظهار نظر حسابرسی در گزارش حسابرسی بر روی اقلام تعهدی اختیاری پرداختند و به این نتیجه رسیدند که تنها نوع موسسه حسابرسی با اقلام تعهدی اختیاری ارتباط دارد.

اعتمادی و همکاران (1388) نیز با بررسی نقش تخصص صنعت حسابرسان در مدیریت سود بیان می‌کنند شرکت‌هایی که حسابرسان آنها، متخصص صنعت می‌باشد دارای سطح مطلق اقلام تعهدی اختیاری کمتر و ضریب واکنش سود بالاتری نسبت به شرکت‌هایی که حسابرسان آنها، متخصص صنعت نمی‌باشد، هستند، به عبارت دیگر، حسابرسان متخصص صنعت، حسابرسی با کیفیت‌تری به صاحبکاران خود ارائه می‌کنند.

با توجه به موارد فوق، در این تحقیق با استفاده از ضریب واکنش نسبت به اجزای تعهدی (اختیاری و غیراختیاری) و نقدی سود مورد استفاده در پژوهش سابرامانیا و با در نظر گرفتن تخصص صنعت حسابرسان به عنوان یک متغیر مداخله‌گر، رابطه بین کیفیت حسابرسی و عکس‌العمل بازار نسبت به اجزای سود مورد بررسی قرار می‌گیرد.

3- فرضیه‌های پژوهش

هدف این پژوهش، تعیین واکنش بازار به اقلام تعهدی (اختیاری و غیراختیاری) و نقدی سود در شرکت‌هایی است که توسط حسابرسان متخصص صنعت رسیدگی شده‌اند، می‌باشد. لذا در راستای هدف مذکور، فرضیه‌هایی به شرح زیر تدوین و مورد آزمون قرار گرفتند.

فرضیه 1: بین بازده سهام و اقلام تعهدی اختیاری سود شرکت‌هایی که توسط حسابرسان متخصص صنعت رسیدگی شده‌اند، رابطه معنی‌دار وجود دارد.

فرضیه 2: بین بازده سهام و اقلام تعهدی غیراختیاری سود شرکت‌هایی که توسط حسابرسان متخصص صنعت رسیدگی شده‌اند، رابطه معنی‌دار وجود دارد.

فرضیه 3: بین بازده سهام و اقلام نقدی سود شرکت‌هایی که توسط حسابرسان متخصص صنعت رسیدگی شده‌اند، رابطه معنی‌دار وجود دارد.

4- روش پژوهش

این تحقیق از نوع تحقیقات شبه تجربی در حوزه تحقیقات اثباتی حسابداری می باشد که از حیث هدف کاربردی می باشد. نرم افزار آماری مورد استفاده در این تحقیق SPSS-15 و نیز صفحه گسترده اکسل می باشد.

4-1- جامعه آماری و انتخاب شرکت ها

قلمرو مکانی تحقیق حاضر شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشند. به علت گستردگی حجم جامعه آماری و وجود برخی ناهمخوانی ها میان اعضای جامعه، شرایط زیر برای انتخاب نمونه آماری در نظر گرفته می شود:

1. سال مالی شرکت منتهی به پایان اسفندماه هر سال باشد.
 2. شرکت طی سال های 1380 تا 1389، تغییر سال مالی نداده باشد.
 3. شرکت تا پایان سال مالی 1380 در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد.
 4. معاملات سهام شرکت به طور مداوم در بورس اوراق بهادار تهران صورت گرفته باشد و توقف معاملاتی بیش از یک ماه در مورد سهام یاد شده اتفاق نیفتاده باشد.
 5. شرکت جزو شرکت های واسطه گری مالی نباشد.
- با توجه به این موارد 117 شرکت انتخاب گردیده است. در این تحقیق اطلاعات مالی از صورت های مالی و یادداشت های همراه مربوط به شرکت های مورد مطالعه و با کمک لوح های فشرده سازمان بورس اوراق بهادار تهران، سایت اینترنتی سازمان بورس و شرکت بورس و نرم افزار تدبیر پرداز و ره آورد نوین به دست آمده است.

4-2- مدل های پژوهش

در این تحقیق، اقلام تعهدی اختیاری را با استفاده از نسخه مقطعی مدل جونز (1991) یعنی مدل دفوند و جیامبالوو (1994) برآورد شده است. دلیل استفاده از مدل مقطعی جونز این است که تحقیقات گذشته عملکرد نسبی مدل های مختلف اقلام تعهدی اختیاری را بررسی کرده اند و به این نتیجه

رسیده‌اند که مدل مقطعی جونز بهترین معیار درباره ی قسمت اقلام اختیاری کل اقلام تعهدی می‌باشد.¹

$$TACC_{it} / A_{it-1} = \beta_1 (1/A_{it-1}) + \beta_2 (\Delta REV_t / A_{it-1}) + \beta_3 (PPE_{it} / A_{it-1}) + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

که در آن: TACC: کل اقلام تعهدی (سود خالص منهای جریان‌های نقدی عملیاتی)؛
 ΔREV : درآمد فروش یا خدمات در سال t منهای درآمد فروش یا خدمات در سال t-1؛ PPE: ناخالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات؛ A: مجموع دارایی‌ها؛ و باقی مانده ی مدل نشان دهنده ی DA (اقلام تعهدی اختیاری) برای شرکت i در سال t می‌باشد.

سپس مدل چند متغیره زیر براساس پژوهش سابرامانیام (Subramanyam, 1996)، به منظور آزمون فرضیات پژوهش مورد برآزش قرار گرفت.

$$RET_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 CFO_{i,t} + \alpha_2 NDA_{i,t} + \alpha_3 DA_{i,t} + \alpha_4 SPEC_{i,t} + \alpha_5 CFO_{i,t} * SPEC_{i,t} + \alpha_6 NDA_{i,t} * SPEC_{i,t} + \alpha_7 DA_{i,t} * SPEC_{i,t} + \alpha_8 LTA_{i,t} + \alpha_9 LEV_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (2)$$

که در آن: RET: بازده سهام سالانه شرکت منتهی به 4 ماه پس از پایان سال مالی، CFO: جریان‌های نقدی عملیاتی تقسیم بر دارایی‌های اول دوره، NDA: اقلام تعهدی غیرعادی، SPEC: تخصص صنعت حسابرسان (متغیر مجازی 1) (صفر) در صورتی که حسابرسان متخصص صنعت باشد (نباشد)، مؤسساتی به عنوان متخصص صنعت در نظر گرفته می‌شوند که سهم بازارشان مطابق با معادله فوق، بیش از $[1/2 \times (\text{شرکت های موجود در یک صنعت} / 1)]$ باشد (Palmrose, 1988). LTA: لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌ها که به عنوان اندازه شرکت بکار گرفته می‌شود؛ LEV: نسبت بدهی‌های بلندمدت به کل دارایی‌ها.

مدل 2 تحقیق با توجه به پژوهش دوکان و همکاران (Duncan, et al., 2005) مورد برآزش قرار گرفته است. توجه اصلی در این مدل بر روی رابطه میان تخصص صنعت حسابرسان و اقلام تعهدی اختیاری (α_7) می‌باشد. با توجه به مبانی نظری مطرح شده مبنی بر بالابودن کیفیت حسابرسانی انجام شده توسط موسسات متخصص و تأثیر آن بر کیفیت اطلاعات منتشر شده براساس تئوری‌های مربوطه (انجمن حسابداری آمریکا، 1973)، انتظار بر آن است که اقلام تعهدی اختیاری شرکت‌هایی که

1. آماره‌های مربوط به مدل برآورد اقلام تعهدی بر حسب صنایع مختلف و اسامی حسابرسان متخصص صنعت در این براساس معادله پالمراز (1988)، به دلیل جلوگیری از تطویل مباحث، درج نشده‌است. این موارد نزد مولفین وجود دارد و در صورت درخواست قابل ارائه می‌باشد.

حسابرس آن‌ها متخصص صنعت می‌باشد، محتوای اطلاعاتی داشته و ضریب مربوطه دارای علامت مثبت معنی‌داری باشد.

همان‌طور که پیشتر بیان گردید، در این تحقیق سهم بازار حسابرسان به صورت مجموع دارایی‌های تمام صاحبکاران یک مؤسسه حسابرسی خاص در یک صنعت خاص تقسیم بر مجموع دارایی‌های صاحبکاران در این صنعت محاسبه می‌گردد. همچنین مؤسساتی به عنوان متخصص صنعت در نظر گرفته می‌شوند که سهم بازارشان مطابق با معادله فوق، بیش از $1/2 \times$ (شرکت‌های موجود در یک صنعت/1) باشد (Palmrose, 1988).

با توجه به تحقیقات بکر و همکاران (Becker, et al., 1998) و ری نولدز و همکاران (2000)، اندازه شرکت به عنوان متغیر تأثیرگذار بر ارقام تعهدی در نظر گرفته شد. همچنین با توجه به اینکه تحقیقات قبلی بیان داشته‌اند که شرکت‌های با سطوح بالای بدهی، برای درگیر شدن در مدیریت سود برای افزایش سود انگیزه دارند، اهرم نیز به عنوان متغیر تأثیرگذار دیگر قلمداد گردید (واتز و همکاران، 1985).

جدول (2): آمار توصیفی متغیرها به تفکیک حسابرسان متخصص صنعت

بخش اول - آمار توصیفی متغیرهای شرکت‌هایی که حسابرسان آن‌ها متخصص صنعت می‌باشد (SP=1)					
	DA	SIZE	CFO	LEV	Abs*(TACC)
میانگین	0/123	732323	0/117	0/637	0/101
میانه	0/096	732323	0/109	0/667	0/071
انحراف معیار	0/117	72711	0/154	0/212	0/108
چارک اول	0/043	112118	0/019	0/531	0/031
چارک سوم	0/146	853235	0/201	0/801	0/132
بخش دوم - آمار توصیفی متغیرهای شرکت‌هایی که حسابرسان آن‌ها متخصص صنعت نمی‌باشد (SP=0)					
میانگین	0/126	658246	0/096	0/623	0/108
میانه	0/077	658225	0/076	0/668	0/065
انحراف معیار	0/136	84255	0/176	0/224	0/130
چارک اول	0/040	125862	0/014	0/547	0/029
چارک سوم	0/172	810254	0/177	0/772	0/139
Abs*: قدر مطلق					

5- یافته‌های پژوهش

5-1- آمار توصیف

آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش به تفکیک صاحبکاران حسابرسان متخصص صنعت و صاحبکاران حسابرسانی که متخصص صنعت نمی‌باشند، در بخش اول و دوم جدول 2، نشان داده شده است. مطابق با آن چه که در ادبیات پژوهش ذکر شد، سطح مطلق اقلام تعهدی اختیاری برای شرکت‌هایی که حسابرس آنها، متخصص صنعت می‌باشد (0/123)، کمتر از سطح مطلق اقلام تعهدی اختیاری سایر شرکت‌ها می‌باشد. هم چنین این شرکت‌ها دارای مجموع دارایی‌ها، جریان‌های نقد عملیاتی و درجه اهرم بدهی بزرگتر نسبت به شرکت‌هایی که حسابرس آنها متخصص صنعت نمی‌باشد، هستند. علاوه بر این، در مورد صاحبکاران حسابرسان متخصص صنعت، متوسط اقلام تعهدی کمتر از مابقی شرکت‌ها می‌باشد.

جدول (2): تمامی شرکت‌ها

بخش اول- آمار توصیفی متغیرها						
	Abs(DAC)	SIZE	CFO	LEV	Abs(TACC)	
میانگین	0/118	714215	0/105	0/639	0/105	
میانه	0/080	714320	0/095	0/670	0/069	
انحراف معیار	0/127	71256	0/167	0/207	0/120	
چارک اول	0/037	124365	0/015	0/546	0/029	
چارک سوم	0/150	802546	0/185	0/782	0/133	
بخش دوم- ضرایب هم بستگی میان متغیرها						
	Abs(DAC)	SP	SIZE	CFO	LEV	Abs(TACC)
Abs(DAC)	1					
SP	-0/001	1				
LTA	-0/006	0/311**	1			
CFO	-0/090*	0/067	0/067	1		
LEV	0/032	0/021	0/075	-0/112*	1	
Abs(TACC)	0/694**	0/030	-0/083	-0/147**	-0/069	1

** و * به ترتیب معنی دار در سطح خطای 1% و 5%.

همچنین، وجود هم بستگی منفی میان سطح مطلق اقلام تعهدی اختیاری و معیار تخصص صنعت حسابرِس و هم بستگی مثبت میان متغیرهای سود غیرمنتظره، معیار تخصص صنعت حسابرِس و بازده غیرعادی (بخش دوم جدول 3)، می تواند به نوعی تأیید کننده فرضیه های پژوهش باشد.

5-2- برازش مدل پژوهش

نتایج مربوط به برازش مدل 2، به منظور آزمون فرضیه پژوهش در جدول 4 نشان داده شده است. به منظور بررسی دقیق رابطه میان تخصص صنعت حسابرِس و ضریب واکنش سود، مدل 2 نخست براساس کل سود برازش می گردد تا ضریب واکنش نسبت به کل سود در شرکت های با حسابرسان متخصص صنعت نسبت به سایر شرکت ها مورد ارزیابی قرار گیرد. در مرحله دوم مدل 2 صرفاً با تفکیک سود به اجزای تعهدی و نقدی مورد برازش قرار می گیرد تا ضریب واکنش نسبت به جزء تعهدی و نقدی سود برای شرکت های متخصص صنعت و دیگر شرکت ها مورد آزمون قرار گیرد و در نهایت مدل 2 به طور کامل با در نظر گرفتن اجزای تعهدی اختیاری و غیراختیاری و نقدی سود مبرود برازش قرار گرفته است. نتایج حاصل از برازش مدل محدود شده یک (جدول 4)، که در آن سود به طور کامل در مدل در نظر گرفته شده است نشان می دهد که میان سود و بازده سهام رابطه مثبت معنی داری وجود دارد. اما رابطه میان تخصص صنعت و ضریب واکنش سود در این مدل معنی دار نمی باشد اگر چه میان متغیر تخصص صنعت و بازده سهام رابطه معنی دار ضعیفی مشاهده می گردد.

مدل محدود شده دوم نیز با تفکیک سود به دو جزء تعهدی و نقدی مورد برازش قرار گرفته است، نتایج حاصل نشان می دهد که میان اجزای نقدی و تعهدی سود و بازده سهام رابطه مثبت معنی داری وجود دارد و همچنان ضریب متغیر تخصص صنعت مثبت می باشد.

اما مشابه با مدل قبلی، رابطه میان اجزای سود و تخصص صنعت حسابرِس رابطه معنی داری مشاهده نمی گردد. این نتایج با پژوهش های قبلی همخوانی دارد (Duncan, et al., 2005). مشابه با نتایج پژوهش سابرامانیام (1996) و کریشنان (2003)، نتایج برازش مدل کامل پژوهش، که بر اجزای اختیاری و غیراختیاری بخش تعهدی سود و بخش نقدی سود تأکید دارد، نشان می دهد که اجزای اختیاری و غیراختیاری تعهدی دارای محتوای اطلاعاتی می باشند چرا که ضریب آن ها در مدل مثبت و معنی دار می باشد. در هر حال مشابه با نتایج پژوهش دوکان و همکاران (2005) رابطه میان اجزای اختیاری و غیراختیاری اقلام تعهدی و تخصص صنعت حسابرِس با بازده سهام معنی دار نمی باشد. لذا هیچ یک از سه فرضیه این پژوهش مورد تأیید قرار نمی گیرد.

همچنین مطابق با ضرایب متغیر تخصص صنعت و وجود رابطه معنی دار میان تخصص صنعت حسابر س و واکنش بازار، در هر سه مدل مثبت و معنی دار می باشد که این نتایج با یافته های پژوهش اعتمادی و همکاران (1388) مطابقت دارد.

ضریب تعیین هر یک از مدل ها تقریباً نزدیک به 4 درصد می باشد که با پژوهش های اخیر هم خوانی دارد (سابرامانیام (1996) و دوکان و همکاران (2005)).

جدول (4): برازش مدل پژوهش

مدل 2 محدود شده اول $RET_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 Earnings_{i,t} + \alpha_2 Earnings_{i,t} * SPEC_{i,t} + \alpha_3 LTA + \alpha_4 LEV + \varepsilon_{i,t}$			
مدل 2 محدود شده دوم $RET_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 CFO_{i,t} + \alpha_2 CFO_{i,t} * SPEC_{i,t} + \alpha_3 Accruals_{i,t} + \alpha_4 Accruals_{i,t} * SPEC_{i,t} + \alpha_5 LTA + \alpha_6 LEV + \varepsilon_{i,t}$			
مدل 2 کامل $RET_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 CFO_{i,t} + \alpha_2 NDA_{i,t} + \alpha_3 DA_{i,t} + \alpha_4 SPEC_{i,t} + \alpha_5 CFO_{i,t} * SPEC_{i,t} + \alpha_6 NDA_{i,t} * SPEC_{i,t} + \alpha_7 DA_{i,t} * SPEC_{i,t} + \alpha_8 LTA + \alpha_9 LEV + \varepsilon_{i,t}$			
	مدل محدود شده اول	مدل محدود شده دوم	مدل کامل
Intercept	0/071 ***	0/073 ***	0/082 ***
	(4/266)	(4/23)	(4/22)
Earnings	0/815 ***		
	(18/21)		
Earnings*SPEC	0/024		
	(0/64)		
CFO		0/724 ***	0/726 ***
		(11/25)	(10/29)
CFO * SPEC		0/001	0/001
		(0/03)	(0/02)
Accruals		0/524 ***	
		(10/82)	
Accruals *SPEC		0/022	
		(0/32)	
NDA			0/381 ***
			(8/42)
DA			0/421 ***

			(7/825)
SPEC	0/011 *	0/014 *	0/010 *
	(1/86)	(1/91)	(1/92)
NDA * SPEC			0/085
			(0/79)
DA * SPEC			0/015
			(0/24)
LTA	0/068 **	0/072 **	0/070 **
	(2/053)	(2/124)	(2/032)
LEV	0/059	0/048	0/052
	(1/058)	(1/042)	(1/059)
Adj. R ²	0/034	0/047	0/048
F-statistic	26/42	28/45	28/50

*** و ** و * به ترتیب معنی دار در سطح خطای 1% و 5% و 10%.

6- نتیجه گیری

تصمیم گیری اقتصادی مطلوب نیازمند دسترسی داشتن به اطلاعات مربوط و قابل اتکاست. در این زمینه، حسابرسی نیاز استفاده کنندگان گزارش های مالی به ارزیابی کیفیت اطلاعات پیش از استفاده از آنها در فرآیند تصمیم گیری را برطرف ساخته و زمینه مناسبی برای اخذ تصمیمات اقتصادی مطلوب فراهم می آورد. قصور حسابرسان در ارایه خدمات حسابرسی با کیفیتی که از آنان به عنوان افراد حرفه ای انتظار می رود، همواره با واکنش شدیدی از سوی جامعه، به صورت عام، و نهادهای ناظر بر بازارهای سرمایه، به صورت خاص، همراه بوده است. جامعه در معنای عام آن همواره خواستار دریافت خدمات با کیفیت حسابرسی است زیرا انتظار می رود بهبود کیفیت حسابرسی، بهبود کیفیت افشا و گزارشگری مالی و نیز غنی تر شدن محیط اطلاعاتی پیرامون یک شرکت را به دنبال داشته باشد و در نهایت زمینه مناسب تری برای اتخاذ تصمیمات اقتصادی مطلوب فراهم آورد.

از دیدگاه هنجاری کیفیت حسابرسی اغلب به شکل برخورداری از استقلال، صلاحیت حرفه ای، تردید حرفه ای، برنامه ریزی و سرپرستی مناسب کار حسابرسی و مواردی از این دست تعریف می شود. با این حال از دیدگاه توصیفی، صاحب نظران عواملی چون تخصص حسابرِس در یک صنعت خاص، شهرت حسابرِس، عضویت حسابرِس در مجامع حرفه ای، حق الزحمه حسابرسی، اندازه موسسه

حسابرسی، نتایج بررسی هم‌پیشگان و موارد دیگری از این دست را نیز مبین کیفیت حسابرسی برمی‌شمارند. پژوهش حاضر نیز که یک تحقیق توصیفی به‌شمار می‌رود تاثیرگذاری تخصص حسابرس در یک صنعت و شهرت وی بر کیفیت افشای صاحبکار را مورد بررسی قرار می‌دهد.

تحقیقات قبلی نشان داده‌اند که اقلام تعهدی اختیاری (بیکر و همکاران، 1998؛ رینولدز و فرانسیس 2000) و ضریب واکنش سود (تاه و ونگ، 1993) برای شرکت‌هایی که توسط موسسات بزرگ حسابرسی رسیدگی شده‌اند نسبت به سایر شرکت‌ها به ترتیب کمتر و بیشتر می‌باشد، که دلیل عمده آن را کیفیت بالای حسابرسی توسط این موسسات دانسته‌اند. هم‌چنین در برخی از تحقیقات، تاثیر تخصص صنعت حسابرس را بر این موارد، بررسی نموده و بیان کرده‌اند که حسابرس متخصص صنعت، رسیدگی با کیفیت بهتری ارایه نموده و این موضوع باعث بهبود کیفیت سود حسابرسی شده می‌گردد (بالسام و همکاران، 2003).

علاوه بر این تحقیقات دیگری در این راستا بیان نموده‌اند که اقلام تعهدی اختیاری در شرکت‌هایی که حسابرس آنها متخصص صنعت می‌باشد، صرفاً ناشی از دستکاری مدیریت نبوده و می‌تواند حاوی اطلاعات مهمی در خصوص آینده باشد. بدین منظور در این تحقیق، رابطه میان بازده سهام شرکت و اقلام تعهدی اختیاری با حضور متغیر مداخله‌گر تخصص صنعت حسابرس مورد بررسی قرار گرفت.

با توجه با این تحقیقات و با تعریف سهم بازار حسابرس به عنوان معیار تخصص صنعت و با در نظر گرفتن شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، رابطه میان تخصص صنعت حسابرس و کیفیت سود گزارش شده با در نظر گرفت ضریب واکنش سود مورد بررسی قرار گرفت. شواهد حاصل از این بررسی نشان دهنده رابطه منفی میان تخصص صنعت حسابرس و سطح مطلق اقلام تعهدی اختیاری می‌باشد، که مبین این موضوع می‌باشد که شرکت‌هایی که صاحبکار موسسات حسابرسی متخصص صنعت می‌باشند، از سود گزارش شد با کیفیت بهتری برخوردار می‌باشند. بدین معنی که حسابرسان متخصص صنعت، در ارایه رسیدگی‌های با کیفیت‌تر، از حسابرسانی که متخصص صنعت نمی‌باشند، بهتر عمل می‌کنند. علاوه بر این، رابطه مثبت مشاهده شده میان معیار تخصص صنعت حسابرس و ضریب واکنش سود، شواهدی مبنی بر واکنش مثبت بازار به کیفیت سود گزارش شده نشان می‌دهد. مثبت بودن رابطه میان معیار تخصص صنعت حسابرس و ضریب واکنش سود، مشابه با نتایج حاصل از بررسی سطح مطلق اقلام تعهدی اختیاری حاکی از این مدعا می‌باشد که شرکت‌هایی که توسط حسابرسان متخصص صنعت رسیدگی می‌شوند از سود با کیفیت‌تری نسبت به

شرکت‌های رسیدگی شده توسط سایر حسابرسان برخوردار می‌باشد که این موضوع در قالب واکنش بازار به سود اعلام شده می‌باشد.

یافته‌های این تحقیق که مبین وجود یک رابطه مستقیم معنی‌دار بین تخصص حسابرسان در یک صنعت و ضریب واکنش سود صاحبکار هستند، می‌توانند در تعیین خط‌مشی کلی افشای شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد استفاده قرار گیرند. با توجه به این یافته‌ها شرکت‌هایی که قصد دارند نظر بازار سرمایه و نهاد ناظر بر آن یعنی سازمان بورس اوراق بهادار را در رابطه با کیفیت افشای خود بهبود بخشند می‌توانند به‌عنوان یکی از راهبردهای بهبود افشا، اقدام به بکارگیری حسابرسانی نمایند که دارای تخصص در رسیدگی به صنعت شرکت می‌باشند. با توجه به یافته‌های تحقیق انتظار می‌رود بکارگیری حسابرسان متخصص در صنعت بتواند از منظر کیفیت افشا به ارتقا جایگاه شرکت نزد سهام‌داران، سرمایه‌گذاران و نهادهای ناظر بر بازار سرمایه منجر شود.

نتایج حاصل از این بررسی نشان می‌دهد که میان اقلام تعهدی (اختیاری و غیراختیاری) و نقدی سود و بازده سهام شرکت‌های با حسابرسان متخصص صنعت نسبت به دیگر شرکت‌ها، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد و نمی‌توان به روشنی بیان نمود که این اقلام در شرکت‌های با حسابرسان متخصص صنعت دارای محتوای اطلاعاتی بیشتری نسبت به سایر شرکت‌ها می‌باشد این نتایج با نتایج پژوهش دوکان و همکاران (2005) هم‌خوانی دارد.

منابع و مأخذ:

1. ابراهیمی کردلر، علی و سیدی، سیدعزیز (1387). "نقش حسابرسان مستقل در کاهش اقلام تعهدی اختیاری". بررسیهای حسابداری و حسابرسی، دوره 15، شماره 54، زمستان 1387 صص 3-16.
2. اعتمادی، حسین. محمدی، امیر. ناظمی اردکانی، مهدی. (1388). "بررسی رابطه بین تخصص صنعت حسابرس و کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی، دوره 1، شماره 1.
3. حساس یگانه، یحیی. (1384). فلسفه حسابرسی. تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
4. خواجوی، شکرالله و ناظمی، امین (1384). "بررسی ارتباط بین کیفیت سود و بازده سهام با تأکید بر نقش ارقام تعهدی در بورس اوراق بهادار تهران". بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال دوازدهم، شماره 40، تابستان 1384، صص 37-60.
5. واتر، راسال. زیمرمن، جرال‌دال. (1985). تئوری اثباتی حسابداری. علی پارسایان. تهران، انتشارات ترمه (1387).
6. ولک، هری‌آی. جی‌تیرنی، مایکل. جیمز، ال‌داد. (2006). تئوری حسابداری، بحث‌های مفهومی در محیط‌های اقتصادی و سیاسی. غلامرضا کرمی و کامران تاجیک. تهران، نگاه دانش (1387).
7. Balsam, S, J. Krishnan and J. Yang. (2003). "Auditor Industry Specialization and the Earnings Response Coefficient". Auditing: A Journal of Practice and Theory, Vol. 22, 71-97.
8. Beatty, A. and D.G. Harris (1998), the effects of Taxes, Agency Costs and Information Asymmetry on Earnings Management: A comparison of public and private Firms, Review of Accounting Studies, Vol. 3, pp. 299-326.
9. Becker, C.L., M.L. DeFond, J. Jiambalvo, and K.R. Subramanyam. (1998). "The effect of audit quality on earnings management". Contemporary Accounting Research, Vol.15 (spring): 1-24.
10. Becker, DeFond and Jiambalvo. (1998). "The Effect of Audit Quality on Earnings Management", Contemporary Accounting Research, Vol. 15, No 1: pp 20-36.
11. Cameran, Prencepe and Trombetta. (2008) "Earnings management, audit tenure and auditor changes: does mandatory auditor rotation improve audit quality?"
12. Chuntao L, Frank M. S, and Sonia M. and L. WONG. (2007). "Audit Firm Size and Perception of Audit Quality: Evidences from a Competitive Audit Market in China". Working paper.

13. Colbert, G. and D. Murray.(1998). "The Association Between Audit Quality and Auditor Size: An Analysis of Small CPA Firms". *Journal of Accounting, Auditing and Finance*. Vol. 13, No.2:135-150.
14. Copley, P. A.(1991). "The Association between Municipal Disclosure Practices and Audit Quality". *Journal of Accounting and Public Policy*. Vol. 10, No. 4: 245.
15. Davis, Soo and Trompeter. (2000). "Auditor Tenure, Auditor Independence and Earnings Management", Working Paper.
16. DeAngelo, L. E. (1981). "Auditor Size and Audit Quality". *Journal of Accounting and Economics*. Vol. 3, No. 3: 183-199.
17. Defond, M.L. and J. Jambalvo (1993), Factors Related to Auditor-Client Disagreements over Income-Increasing Accounting Methods, *Contemporary Accounting Research*, Vol. 9, pp. 415- 431.
18. DeFond, M.L., and J. Jambalvo. (1994). "Debt covenant violation and manipulation of accruals". *Journal of Accounting and Economics* 17 (January): 145-176.
19. Duncan Mascarenhas, Steven F. Cahan, Vic Naiker. (2005). "The Effect of Audit Specialists on Financial Reporting and Market Pricing". University of Auckland Business School, Private Bag 92019, Auckland, New Zealand
20. Dunn, K.A., B.W. Mayhew, and S.G. Morsfield. (2000). "Auditor industry specialization and client disclosure quality", Working Paper, Baruch College-CUNY, University of Wisconsin, and The Capital Markets Company.
21. Elder and Zhou. (2001). "Audit Firm Size, Industry Specialization and Earnings Management by Initial Public Offering Firms"
22. Elder and Zhou. (2004). "Audit Quality and Earnings Management by Seasoned Equity Offering Firms", *Journal of Accounting and Economics*, Vol.11 (2): pp 95-120.
23. Fairuzana and Rashidah. (2006). "Board, audit committee, culture and earnings management: Malaysian evidence", *Managerial Auditing Journal*, vol 21, no 7: pp 783 – 804.
24. Francis and Yu. (2007) "The Effect of Big Four Office Size on Audit Quality", Available online in www.ssrn.com
25. Gore, Pope and Singh. (2001). "Non-Audit Services, Auditor Independence and Earnings Management", Working Paper.
26. Gramling, A.A., V.E. Johnson, and I.K. Khurana. (2001). "Audit firm industry specialization and financial reporting quality". Working Paper, Georgia State University and University of Missouri-Columbia.
27. Janin and Piot. (2005). "Audit Quality and Earnings Management in France", Working Paper.
28. Jenkins, D. S., Kane G. D. and Velury U (2006). "Earnings quality decline and the effect of industry specialist auditors: An analysis of the late 1990s", *Journal of Accounting and public policy*, Vol. 25, 71-90.
29. Jones, J. 1991. Earnings management during import relief investigations. *Journal of Accounting Research* 29 (Fall): 193-228.

30. Kimberly A. Brian W. Mayhew. (2004). "Audit Firm Industry Specialization and Client Disclosure Quality". *Review of Accounting Studies*, 9, 35–58.
31. Krishnan, G.V., (2003). "Does Big-6 auditor industry experience constrain earnings management?", *Accounting Horizons* 17 (Supplement), 1–16.
32. Lam, S. and. S. Chang. (1994). "Auditor Service Quality and Auditor Size: Evidence from Initial Public Offerings in Singapore". *Journal of International Accounting Auditing and Taxation*. Vol. 3, No. 1: Pg. 103.
33. Lee Philip, Stokes Donald, Taylor Stephen, Walter Terry. (2003). "The association between audit quality, accounting disclosures and firm-specific risk: Evidence from initial public offerings". *Journal of Accounting and Public Policy* 22, 377–400.
34. Lin, Z.J Liu, M. (2009). "The impact of corporate governance on auditor choice: Evidence from China". *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation* 18 44–59
35. Mayhew, B., and M.S. Wilkins. (2002). "Audit firm industry specialization as a differentiation strategy: Evidence from fees charged for firms going public". Working Paper, University of Wisconsin – Madison and Texas A&M University.
36. Palmrose, Z. (1988). "An Analysis of Auditor Litigation and Audit Service Quality". *The Accounting Review*. Vol. 64, No.1: 55-73.
37. Reynolds, J.K., and J.R. Francis. (2000). "Does size matter? The influence of large clients on office-level auditor reporting decisions". *Journal of Accounting and Economics* 30 (December) 375-400.
38. Subramanyam, K.R. 1996. "The Pricing of Discretionary Accruals." *Journal of Accounting and Economics* 22(1-3): 249-281.